



درس قواعد فقهیه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: قاعده لاضرر (تنبیها)

موضوع جزئی: احکام لاضرر - مسئله اول - دوم - سوم

تاریخ: ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۰ رمضان ۱۴۴۱

جلسه: ۶۵

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث از قلمرو ضرر و نسبت قاعده لاضرر با ادله احکام اولیه تقریباً تمام شد. آخرین بحثی که در قاعده لاضرر باقی مانده و باید درباره آن بحث شود، تحت عنوان احکام ضرر یا لاضرر است. در این بخش حدود ده مسئله مورد بررسی قرار گرفته و احکامش بیان می‌شود. این مسائل نوعاً از مسائل مورد ابتلا و مورد نیاز در زندگی روزمره مردم است.

مسئله اول

اولین مسئله این است که آیا برای دفع ضرر از نفس، اضرار به غیر جایز است یا جایز نیست؟ کسی که ضرری متوجهش شده، آیا جایز است برای دفع ضرر از خودش، به دیگری ضرر برساند؟

البته بخشی از این بحث در تعارض ضررین می‌تواند مطرح شود. برخی هم این بحث را اساساً ذیل بحث تعارض ضررین مطرح کرده‌اند. لکن علیرغم قرابتی که این دو عنوان با یکدیگر دارند، به نظر می‌رسد که تفکیک آن‌ها مناسب‌تر است. چون در تعارض ضررین بحث در تعارض دو ضرر است؛ یعنی دو ضرر نسبت به یک یا دو شخص مطرح می‌شود و سپس بحث پیش می‌آید که اگر بین دو ضرر تعارض پیش آمد تکلیف چیست. اما اینجا بحث در یک ضرر است که متوجه این شخص بشود و یا متوجه غیر. عرض شد که گرچه این مسئله را عده‌ای در آن عنوان داخل کردند، اما اولی تفکیک این‌ها است.

پس موضوع بحث این است که آیا انسان برای دور کردن ضرر از خودش می‌تواند به دیگران ضرر برساند یا نمی‌تواند؟ این مسئله یک مسئله مبتلا به است. مثالی هم که در کتب فقهی مطرح شده این است که سیل در حال داخل شدن به خانه شخصی است لکن او راههای ورود سیل به خانه را می‌بندد؛ بحث این است که اگر او می‌داند که این کار باعث می‌شود سیل به خانه شخص دیگری وارد شود، آیا این جایز است یا جایز نیست؟ در اینجا دو فرض می‌توان تصویر کرد:

فرض اول: یکی اینکه سیل به سوی خانه این شخص در جریان است و او به طریقی - مثلاً بستن منافذ و یا بستن درب - سیل را از خانه خودش دفع می‌کند ولی بنفسه با این کار سیل متوجه خانه دیگران می‌شود. به عبارت دیگر این شخص نقشی در توجیه ضرر به خانه دیگران ندارد.

فرض دوم: فرض دوم به همین صورت است، یعنی سیل به سوی خانه او در جریان است ولی او کاری می‌کند که سیل از خانه او دفع شده و متوجه خانه دیگران شود. به عبارت دیگر او در توجیه سیل به خانه دیگران نقش دارد. این دو صورت با هم تفاوت دارد.

پس گاهی سیل بعد از اقدام این شخص، بنفسه متوجه خانه دیگران می‌شود، گاهی هم این شخص سیل را متوجه خانه دیگران می‌کند. باید توجه داشت که بین این دو صورت تفاوت است؛ این نکته هم مهم است که فرض در جایی است که این شخص عالم است، می‌داند و عاقد و قاصد است و غیر هم راضی نیست و مسئله مهم و مهم هم در کار نیست. چون هر یک از این قیود که وارد موضوع شود، مسئله متفاوت می‌شود. اگر دیگری راضی باشد یا مثلاً پای اهم و مهم در میان باشد، از بحث خارج می‌شود. پس موضوع بحث این است که این شخص برای دفع ضرر از خود با علم و عمد، در حالی که دیگری راضی نیست، آیا می‌تواند کاری کند که ضرر از خود او دور شود و متوجه دیگری شود؟ گفته شد برای این مسئله دو صورت می‌توان تصور کرد. حال با توجه به اینکه موضوع تنقیح شده و دو صورتش هم ذکر شد، باید دید حکم این مسئله چیست.

۱. طبق مبنای مختار

اینجا طبق مبنای مختار کاملاً روشن است که در صورت اول دفع ضرر از نفس جایز است و اگر کار او منجر به ضرر به غیر شود، اشکالی ندارد. چون در واقع این اضرار به غیر نیست. او فقط کاری کرده که ضرر متوجه او نشود و این سیل هم بنفسه متوجه به خانه دیگران بوده و او نقشی در این ماجرا نداشته است؛ لذا فعل او مصداق اضرار به غیر نیست و قاعده لاضرر که به نظر ما در آن منع از اضرار به غیر و تحریم اضرار به غیر شده، اساساً وجهی ندارد که قاعده آن را حرام کند؛ چون باید مصداق اضرار به غیر باشد در حالی که اینچنین نیست لذا این فرض اشکالی ندارد.

اما صورت دوم، (آنجایی که این ضرر را از خانه خودش دفع می‌کند و به سوی خانه دیگران متوجه می‌کند) مصداق اضرار به غیر است و اضرار به غیر چه بالواسطه و چه بالمباشرة جایز نیست. قاعده لاضرر دلالت می‌کند بر ممنوعیت و حرمت اضرار به غیر چه با واسطه و چه بدون واسطه. در صورت دوم درست است که مباشرةً اضرار به غیر نشده، اما بواسطه این کار صورت گرفته و آن شخص کاری کرده که ضرر متوجه خانه دیگران شود لذا مشمول قاعده لاضرر می‌شود.

پس طبق مبنای مختار قاعده لاضرر اجنبی^۱ عن الصورة الأولى چون اصلاً اضرار به غیر محسوب نمی‌شود. اما در صورت دوم چون اضرار به غیر است و مصداق قاعده قرار می‌گیرد، مشمول عدم جواز می‌شود.

سوال:

استاد: نه اینکه صدمه‌ای زده، سیل به سمت خانه او می‌آمده، فرض این است که سیل دارد می‌آید به سمت خانه این شخص، اگر درب خانه اش باز باشد آب داخل خانه او می‌شود و او هم در را می‌بندد؛ نه اینکه بخواهد سیل را متوجه به خانه دیگری کند. بله او درب را بسته ولی این بنفسه متوجه آن شده است.

سوال:

استاد: پس دلیل ندارد که این شخص ضرر را متحمل شود، او درب خانه اش را بسته است.

سوال:

استاد: یکوقت این شخص سیل را توجیه می‌کند به سمت خانه دیگری؛ یعنی این شخص کاری می‌کند که سیل به خانه دیگری برود و به خانه خودش نیاید. یکبار هم درب را برای دفع ضرر از خودش می‌بندد اما نه برای اینکه ضرر را متوجه دیگری کند.

سوال:

استاد: نه این اضرار نیست. آنچه که شما می‌گویید بحث بعدی است که آیا تحمل ضرر برای دفع ضرر از غیر لازم است یا نه؟ یعنی بنده برای اینکه ضرری متوجه دیگران نشود، آیا لازم است که خودم متحمل آن بشوم؟ این طبق مبنای مختار بود.

۲. طبق مبنای مشهور

طبق مبنای مشهور هم در صورت دوم جایز نیست. مبنای مشهور در باب لاضرر این است که نفی حکم ضرری می‌کند. اگر اضرار به غیر برای دفع ضرر عن النفس جایز باشد، این یک حکم ضرری است و به مقتضای لاضرر این حکم که ضرری است مرفوع است. پس اساساً مقتضای قاعده لاضرر این است که برای دفع ضرر از خود نمی‌توان به دیگری ضرر وارد کرد چون تجویز آن (اضرار به غیر) مساوی است با یک حکم ضرری که قاعده لاضرر آن را بر می‌دارد. بعلاوه این مخالف امتنان است؛ اینکه برای دفع ضرر از خود، اضرار به غیر جایز باشد، این جواز اضرار به غیر مخالف امتنان است. بنابراین از این جهت هم می‌توان گفت که اضرار به غیر جایز نیست.

در اینجا نمونه‌هایی برای این مسئله ذکر شده که وارد آنها نمی‌شویم؛ لکن یک موردی را شیخ انصاری (ره) از قول شیخ طوسی نقل کرده که طبق این مبنا باید در آن حکم به عدم جواز شود اما شیخ طوسی حکم به جواز کرده و لذا شیخ انصاری در صدد توجیه آن بر آمده و آن این‌که:

شیخ طوسی فرموده اگر یک دیواری که خوف وقوع و ریختن آن وجود دارد به ستون دیوار همسایه تکیه داده شود، جایز است؛ یعنی اسناد دیواری که خوف ریختن در آن هست به ستون همسایه بلاخلاف جایز است.

شیخ انصاری (ره) از آنجا که به حسب قاعده این کار نباید جایز باشد چون یک نوع تصرف در مال غیر است، آن را حمل کرده بر جایی که خوف وقوع جدار و هلاکت نفس محترمه باشد. چون حفظ نفس محترمه واجب است، لذا به این دلیل شیخ طوسی حکم به جواز کرده و گفته بلاخلاف جایز است، لکن گفته *أجره المثل* این استناد را باید بدهد.^۱

بنابراین اگر خوف ریختن دیوار و از بین رفتن نفس محترمه نباشد، استناد جایز نیست. یعنی جایز نیست کسی دیوارش را به ستون دیوار همسایه تکیه دهد؛ چون با این کار گویا اضرار به همسایه جایز دانسته شده در حالی که این جایز نیست. یعنی در این مورد هم مانند مسئله سیل باید بگوییم جایز نیست چون متضمن اضرار به غیر است.

یا مثلاً اگر یک ظالم، شخصی را مجبور کند که مالی از اموالش را بدهد، او هم بجای اینکه مال خودش را بدهد، مال عمر (دیگران) را بدهد؛ یعنی برای دفع ضرر از خود به دیگری ضرر وارد کند که این هم جایز نیست.

پس طبق مبنای مختار و مشهور اضرار به غیر برای دفع ضرر از خود جایز نیست.

اشکال

۱. رساله لاضرر (شیخ انصاری)، تنبیه چهارم.

اینجا ممکن است اشکال شود که لاحتجاج اقتضا می‌کند که او این کار را انجام دهد. یعنی اگر کسی برای دفع ضرر از خود به دیگری ضرر وارد نکند، گرفتار حرج می‌شود. پس لاحتجاج اجازه می‌دهد او به دیگری اضرار وارد کند. یعنی اگر کسی بخواهد از راه لاحتجاج این را تجویز کند پاسخ چیست؟ آیا لاحتجاج می‌تواند این کار را بکند؟

پاسخ

خیر، طبق قاعده لاضرر این شخص نمی‌تواند برای دفع ضرر از خود به دیگران ضرر وارد کند. یعنی رخصت برای اضرار به غیر لدفع الضرر عن نفسه داده نشده و این عدم رخصت حرجی نیست. به چه دلیل با لاحتجاج این حکم را برداریم؟ عمده این است که عَدَمُ الرُّخْصَةِ لدفع الضرر عن نفسه بالإضرار علی الغیر موجب حرج نیست.

سوال:

استاد: این حرج ناشی از عَدَمُ الرُّخْصَةِ نیست بلکه از باب ضرری است که متوجه خودش شده.

سوال:

استاد: رخصت ندادن غیر از حکم است. این اجازه نداده به اینکه برای دفع ضرر از خودش به دیگری ضرر وارد کند.

سوال:

استاد: نه. این می‌گوید حق نداری به دیگران ضرر برسانی. اینکه تو حق ضرر رساندن به دیگری نداری موجب حرج نشده. بلکه موجب حرج آن مشکل و مشقتی است که از ناحیه ضرر بر خودش پیدا می‌شود. او چه زمانی به حرج می‌افتد؟ وقتی که این ضرر به خودش متوجه شود. البته همه جا هم حرجی نیست؛ چون ممکن است در جایی ضرر باشد اما حرج نباشد. اما این ناشی از این نیست که چون تو نتوانستی به دیگری ضرر وارد کنی پس چون حرج عارض شده است. لذا این دو با هم فرق می‌کند و بواسطه اینکه ضرری متوجه او می‌شود گرفتار حرج می‌شود.

سوال:

استاد: آن بحثی دیگر است. ما مسئله مهم و مهم را همان اول از بحث خارج کردیم. مثلاً در جایی یک ضرر جانی در کار باشد مسئله فرق می‌کند.

سوال:

استاد: حرج که لزوماً در مورد مهم نیست. ممکن است برای او حرجی نباشد. بحث مهم و مهم بودن با حرج فرق می‌کند؛ نسبت این دو عموم و خصوص من وجه است. ممکن است جایی ضرر باشد ولی حرج نباشد، ممکن است یک ضرری نسبتاً بزرگ هم باشد اما حرجی نباشد. پس حرج به وسعت ضرر وابسته نیست بلکه به عوامل مختلفی بستگی دارد. پس طبق مبنای مشهور و طبق مبنای مختار معلوم شد که برای دفع ضرر عن النفس، اضرار به غیر جایز نیست.

پاسخ به یک شبهه

البته ممکن است گفته شود عدم جواز اضرار به غیر مستلزم ایقاع ضرر بر نفس است. یعنی همین که به من اجازه ندادند به دیگری ضرر برسانم، قهراً ملازمه دارد به ایقاع ضرر علی النفس. پس کأن امر دایر می‌شود بین تضرر نفس و تضرر غیر و لذا داخل تعارض ضررین می‌شود. به همین جهت برخی این را در ذیل تعارض ضررین مطرح کرده‌اند. ولی به نظر می‌رسد

که این مسئله با تعارض ضررین فرق دارد. چون در تعارض ضررین از اول ضرر متوجه هر دو شده است. آنجا بحث در این است که اگر ضرری متوجه دو نفر شد یا یک ضرر متوجه دو شخص شد، یا دو ضرر متوجه یک شخص شد، آنجا تکلیف چیست؟ این بحث را بعداً مطرح می‌کنیم.

ولی اینجا یک ضرر است؛ اگر این شخص آن را دفع نکند متوجه خودش می‌شود و اگر هم از خودش دفع کند، متوجه دیگران می‌شود. یعنی کأنّ او واسطه ضرر می‌شود و فرق است بین اینکه کسی واسطه ضرر بشود و یا از اول ضرر متوجه دیگران باشد. بنابراین نمی‌توان گفت چون عدم جواز اضرار به غیر مستلزم وارد کردن ضرر بر خویش است، پس این باید برود در تعارض ضررین چون دوران امر بین تضرر نفس و تضرر غیر است. این حرفی نیست که بتوان آن را در اینجا پذیرفت. این مسئله اول بود که اجمالاً آنچه که لازم بود در مورد این مسئله گفته شد.

مسئله دوم و سوم

مسئله دوم دفع الضرر عن الغير است. آیا لازم است انسان ضرر را از دیگران دفع کند یا خیر؟ این مسئله دو صورت دارد: صورت اول: تارة بدون اینکه ضرری متوجه خودش شود می‌تواند آن را از دیگران دفع کند. صورت دوم: صورت دوم جایی است که دفع ضرر از دیگران، همراه با توجه ضرر به خود او است که این را تحت عنوان تحمّل الضرر عن الغير مطرح می‌کنند.

پس یک صورت دفع ضرر به این است که کسی می‌بیند ضرری متوجه دیگری می‌شود و او می‌تواند بدون اینکه برای خودش ضرری داشته باشد آن را دفع کند. صورت هم دفع ضرر از غیر همراه با تحمل ضرر است. آیا لازم است برای اینکه ضرری را از دیگری دفع کند خودش متحمل ضرر شود یا نه؟ پس این فرض دو صورت دارد.

۱. طبق مبنای مختار

طبق مبنای ما هیچکدام واجب نیست. یعنی نه دفع الضرر (صورت اول) و نه تحمّل الضرر (صورت دوم) واجب نیست. چون اساساً این ربطی به قاعده لاضرر ندارد؛ قاعده لاضرر می‌گوید اضرار به غیر جایز نیست اما اگر سیل به سمت خانه دیگران می‌رود، دفع آن بر این شخص واجب نیست. همچنین اگر او بتواند با تحمل ضرر بر خودش این ضرر را از غیر دفع کند باز هم واجب نیست. پس دفع ضرر در هیچ یک از این دو صورت، بر مبنای مختار در قاعده لاضرر واجب نیست. چون اساساً هیچکدام از این دو فرض مصداق اضرار بر غیر نیست؛ لذا مشمول قاعده لاضرر نمی‌شود.

۲. طبق مبنای مشهور

اما طبق مبنای مشهور اگر بگوییم برای این شخص تحمل ضرر واجب است، خود این یک حکم ضرری است و تشریح وجوب تحمل ضرر، به حسب قاعده لاضرر منتفی است و لذا وجهی ندارد این شخص مسیر سیل را تغییر دهد و آن را متوجه خانه خودش کند؛ اساساً این خلاف امتنان است که برای اینکه ضرری متوجه غیر نشود، او متحمل ضرر شود.

پس طبق مبنای مشهور وجوب تحمل ضرر هم چون یک حکم ضرری است، مرفوع است.

اما در صورتی که دفع ضرر ملازم با تحمل ضرر نباشد، لاضرر دیگر نمی‌تواند آن را واجب کند چون وجوب دفع ضرر یک حکم ضرری نیست تا با لاضرر رفع شود و اساساً ربطی به آن (لاضرر) ندارد، اما دلیلی هم بر وجوب دفع نداریم مگر اینکه

پای نفس محترمه ای در میان باشد و از آن طریق بخواهیم دفع ضرر را واجب کنیم و الا دلیلی نداریم که حفظ اموال دیگران از ضرر واجب باشد، لزوم حفظ نفس محترمه یک بحث دیگری است.

بنابراین در این دو مسئله هم طبق مبنای مشهور و هم طبق مبنای مختار، دفعُ الضررِ عنِ الغير (چه در فرض تحمل ضرر و چه آن فرضی که ضرری متوجه خودش نباشد)، واجب نیست.

البته اشکالی در اینجا مطرح شده که این اشکال را مرحوم نائینی مطرح کرده و پاسخی هم داده است.

سوال:

استاد: نه در اینجا بحث کلی است و ما خصوص ضرر معتدبه را نمی‌گوییم، چون اضرار به غیر چه معتدبه و چه غیر معتدبه جایز نیست.

سوال:

استاد: ما فعلا از زاویه قاعده لاضرر نگاه می‌کنیم به این عنوان که آیا واجب است این شخص دفعُ الضررِ عنِ الغير کند در جایی که ضرری متوجه خودش نیست. و در جایی که ضرری متوجه خودش می‌شود. فرض ما هم این است که مسئله مهم و مهم و رضایت هم نیست، اینجا می‌خواهیم ببینیم آیا تحمُّلُ الضررِ لازم؟ که معلوم شد لازم نیست. حال شما می‌فرمایید اینکه لازم نیست واضح است؟ می‌گوییم نه. خیلی واضح نیست و بالاخره استنادش باید معلوم شود. اما اینکه شما می‌فرمایید آیا اساسا جایز است یا نه که خودش متحمل ضرر شود، می‌گوییم ما این بحث را در عنوان دیگری بررسی می‌کنیم به عنوان ترخیص در اضرار که آیا ترخیص در اضرار مجوز اضرار می‌شود یا نه؟ همین بحث را در رابطه با نفس هم داریم که آیا بر این شخص جایز است که به خودش ضرر برساند برای دفع ضرر از دیگری؟ این دو را ما تحت یک عنوان جداگانه بحث می‌کنیم.

اشکال

اشکالی که در اینجا مطرح است این است که اگر به حسب قاعده لاضرر شما می‌گویید برای دفع ضرر از خود نمی‌تواند ضرری را متوجه به دیگری کند. پس چرا اگر بگونه‌ای راه را ببندد که قهرا ضرر متوجه غیر شود جایز است. این دو چه فرقی با هم می‌کند؟ به عبارت دیگر شما با قاعده لاضرر جلوی اضرار به غیر را گرفتید و گفتید نمی‌تواند ضرر را از خودش دفع و متوجه دیگری کند. اما با همین قاعده لاضرر یک کاری کردید که ضرر متوجه دیگری شود؛ چه فرقی است بین این دو؟ ضرر موجود قبل از جریان قاعده با ضرر حادث بعد از جریان قاعده چه فرقی با هم دارند؟

از یک طرف گفته شد که اضرار به غیر برای دفع ضرر عنِ النفس جایز نیست، از طرف دیگر هم گفته شد لازم نیست کسی برای دفع ضرر از دیگران، خودش متحمل ضرر بشود. در صورت دوم به استناد لاضرر می‌گوید لازم نیست او متحمل ضرر بشود، در حالی که عدم لزوم تحمل ضرر برای این شخص، بالاخره منجر به ضرر بر غیر می‌شود. بالاخره اگر ضرر است، کلا باید مرفوع باشد. فرق نمی‌کند این ضرر قبل از این قاعده متوجه غیر شود که شما با این قاعده رفعش کنید و بگویید اضرار بر غیر جایز نیست یا به استناد لاضرر بگویید بر او تحمل ضرر لازم نیست، در حالی که این منشأ می‌شود برای ضرر بر غیر. به هر حال نتیجه اش اضرار به غیر است؛ منتهی یکی قبل از جریان قاعده است و دیگری بعد از جریان قاعده.

پاسخ طبق مبنای مشهور (محقق نائینی)

مرحوم نائینی در پاسخ به این اشکال می‌گوید که درست است که قاعده لاضرر حاکم بر ادله احکام است. ولی اگر یک ضرری از ناحیه حکومت لاضرر بر سایر احکام بخواهد حادث شود، دیگر این قاعده ناظر به آن نوع از ضرر نیست. به عبارت دیگر دلیل محکوم و دلیل حاکم را که با هم در نظر می‌گیریم و مقایسه می‌کنیم، دلیل حاکم شارح و ناظر به دلیل محکوم است. قاعده لاضرر در مقام شرح و نظارت اگر ضرری وجود داشته باشد آن را بر می‌دارد. اما اگر یک ضرری بعد از این نظارت حادث شود، دیگر نمی‌تواند با لاضرر برداشته شود. وقتی نسبت بین این دو دلیل را حکومت و یکی را ناظر بر دیگری دانستیم، این نظارت باعث می‌شود که ضرر مربوط به حکمی که در دلیل محکوم ذکر شده برداشته شود. حال بعد از این حکومت و نظارت اگر یک ضرری بخواهد حادث شود، این دیگر از حیثه این دلیل خارج است که بخواهد آن را بردارد.

این جوابی است که مرحوم نائینی ذکر کردند. لکن این پاسخ طبق مبنایی که معروف و مشهور است شاید قابل قبول باشد اما طبق مبنای مختار باید دید که چطور می‌شود به این اشکال پاسخ داد.

پاسخ طبق مبنای مختار

طبق مبنای مختار اضرار بر غیر و اضرار بر نفس حرام است. مهم این است که اگر ما می‌گوییم *تحملُ الضرر عن الغير* لازم نیست، برای این است که این اضرار به غیر نبوده و مصداق اضرار نیست، ولی در اولی مصداق اضرار است. آنجایی که می‌گوییم اضرار به غیر برای دفع ضرر از نفس جایز نیست دلیمان این بود که این مصداق اضرار است و اضرار جایز نیست. اینجا که می‌گوییم تحمل ضرر و دفع ضرر عن الغير واجب نیست، برای این است که اینجا اساسا کاری که این شخص می‌کند اضرار به غیر نیست تا بخواهد مشمول قاعده شود. لذا طبق مبنای ما مسئله روشن است و طبق مبنای مشهور هم به نظر می‌رسد جواب مرحوم نائینی جوابی قابل قبول است.

این تقریبا سه مسئله ای بود که اینجا بررسی کردیم. ۱. یکی اضرار به غیر برای دفع ضرر از نفس. ۲. دوم تحمل ضرر از غیر یعنی دفع ضرر از غیر با اضرار به نفس. ۳. سوم دفع ضرر از غیر بدون اینکه اضراری متوجه نفس شود. این سه مسئله اجمالا مورد تعرض قرار گرفت.

اما آنچه شما می‌گویید که به دنبال این مسئله مطرح می‌شود این است که اگر کسی در اضرار ترخیص داد، این ترخیص مجوز اضرار بر او هست یا نیست؟ و دوم اینکه خود انسان برای دفع ضرر از غیر خودش می‌تواند متحمل ضرر شود؟ اینهم مسئله ای است که دنبال می‌کنیم. باید توجه داشت که در اینجا اضرار به نفس متضمن یک غرض عقلایی است که توضیحش را بعدا می‌دهیم.

«والحمد لله رب العالمین»